

محاكمه صدام حسين: در کنترل کدام طرف؟

کورش زعيم

بر خلاف ميلوسويچ و نورنبرگ، محاكمه صدام حسين چندان ساده نيست و دادستان چندان چيره بر آن.

در آغاز، حدود پانصد كيفرخواست عليه او طرح شده بود که برای آنها مدارک و شواهد می شد فراهم کرد. شکایت ها سپس به ده فقره از شناخته شده ترین آنها، مانند قتل رهبران مذهبی، کشتار گروهی صدها نفر که در سال 1977 عليه او شورش کردند، ترور مخالفان در کشورهای خارجی، جنگ عليه ايران، حمله به کويت، کاربرد سلاح شيميايي و غيره، کاهش يافت. بنا بر قانون جاری حاکم بر محاكمه، او را می توان هزاران بار به اعدام محکوم کرد. ولی، این چیزی نيست در حال روی دادن است.

نخست، بدليل مدت زمانی که طول می کشد "مدارک دفاعی" آماده شود، صدام اکنون فقط برای یک مورد قتل عام 148 نفر در دجيل، شکنجه و زندانی کردن حدود 4000 نفر از اهالی شهر در صحرای سماوات و نابودسازی باغهای آنها، به گناه قصد ترور او، محاكمه می شود. این جنایت شاید به نظر مخوف آید، ولی از موفقیت های ملایم او بشمار می آید!

پس از ماهها آماده سازی، نخستین روز محاكمه به امور اداری تعیین روشها گذشت، صدام اظهار بیگناهی و ادعای عدم صلاحیت دادگاه را کرد. او ادعا دارد که هیچ جنایتی را مرتکب نشده، زیرا این قانون عراق بوده که در آنجا اعمال شد و وی فقط حکم های مرگ را برای گناه اعدام عليه کشور بعنوان رییس کشور، که هنوز هم هست، امضا کرده است! دومین جلسه دادگاه هم چیزی بجز تاخیر بیشتر نبود، اینبار بیشتر عمدی تا اداری. با مشاهده این محاكمه، بنظر می رسد که اراده چندان برای محاكمه صدام حسين وجود ندارد.

پشتیبانی امریکاییان از جریان کند محاكمه می تواند دو هدف داشته باشد. یکی اینکه آنها می خواهند یک روند قانونی منصفانه و دموکراتیک را، آنگونه که تحت قانون مدنی انگلیسی اعمال می شود، به نمایش بگذارند و حاکمیت انصاف و عدالت را بخشی از جذابیت دموکراسی غربی برنامه ریخته شده در عراق بنمایانند. مشکل اینجاست که نظام قضایی سبک مصری-فرانسوی عراق، میراث همورابی و ناپلئون، با نظام انگلیسی همخوانی ندارد. در اینجا، هیئت منصفه ای وجود ندارد و رییس هیئت پنجاه قاضیان خود نقش بازپرس کل را هم بازی میکند. در این دادگاه قاضی ها از نشان دادن چهره شان می ترسند، رییس هیئت قضات از بازپرسی می ترسد، دادستانان از دادخواهی می ترسند و مدافعان از دفاع کردن می ترسند!

دلیل دوم، اینست که امریکاییان نمی خواهند صدام برای جنایات جنگی عليه ايران محاكمه شود. او ممکن است بند لبش را باز کند و اسرار پشتیبانی ها و کمکهای حیاتی امریکا را به او عليه ايران در طی جنگ فاش نماید. آشکارسازی این اسرار افکار عمومی جهان را نسبت به سیاست خارجی امریکا در مورد ايران سست و جمهوری اسلامی را در صحنه بین المللی جسور خواهد کرد.

امریکا در محصور گیر کرده. هرگونه معامله با صدام برای حکم ملایمتر در برابر سکوت، تف سربالا خواهد بود. با توجه به مطبوعات کنجکاو امریکا و صدای بلند مخالفان در حزب دموکرات، این اقدام تبدیل به خودزنی خواهد شد. بنابراین، تنها راه خروج از محصور طولانی کردن محاكمه است. بجای تفهیم اتهام برای همه جنایات ثبت شده در آغاز محاكمه، همانگونه که در سیستم قضایی خود امریکا اعمال می شود، اتهامات را یکی یکی مطرح و یکی یکی محاكمه می کنند. این شیوه، محاکمات را آنقدر طولانی، تکراری و خسته کننده خواهد کرد که مردم راضی خواهند شد با همان حکم اولی از خیر بقیه بگذرند تا بتوانند به زندگی خود پردازند. یک چیز را امریکاییان بنظر می رسد که درک نمی کنند، و آن اینست که طولانی شدن این محاکمات نه به سود امریکاییان

است و نه به سود عراقی ها. من از همین تریبون، پیش از دستگیری صدام حسین و دوباره پس از دستگیری او، تاکید کردم که تا هنگامی که صدام حسین زنده است و در عراق، شورش و خونریزی ادامه خواهد داشت و آنهم با یک روند افزایشی. من باز تکرار می کنم که زنده نگهداشتن صدام یا نگهداشتن او در عراق، سبب اصلی خونریزی روزانه در عراق است.

بعثی های فدایی صدام که در زمان او همه چیز داشتند و اکنون هیچ چیز ندارند و حتا جرات ندارند چهره خود را از ترس دستگیری یا شناخته شدن و انتقامجویی مردم، نشان بدهند، هسته اصلی یاغیگری کنونی را تشکیل می دهند. آنها حتا از همکاری با تروریست های خارجی القاعده هم ترسی ندارند، زیرا بخوبی می دانند که اگر صدام حسین بقدرت بازگردد، حتا یک عامل القاعده در عراق را هم زنده نخواهد گذاشت.

وقتی صدام هنوز در پنهانگاه بود، از طریق یک نوار ضبط شده که از رسانه ها پخش شد، از هواداران خود خواست که به "جهاد و مقاومت" ادامه دهند. بعقب که نگاه می کنیم، به یاد می آوریم که پیش از حمله امریکا به عراق، صدام تهدید کرده بود که امریکاییان در عراق با یک "حمام خون" روبرو خواهند شد. سازمانهای اطلاعاتی امریکا باید توجه بیشتری می کردند. امریکا ماشین جنگی صدام را شکست داد، ولی آنرا از کار نینداخت. از زمان پخش پیام ضبط شده، سطح خونریزی در حال رو به افزایش بوده و هزاران نفر کشته شده اند. تاخیر در انجام محاکمات جان های بیشتری را خواهد گرفت و دشواری های بیشتری را برای دولت بوش بوجود آورد. به روشنی می توان مشاهده کرد که با گذشت زمان هر بار صدام حسین در برابر دوربین ظاهر می شود، اعتماد بنفس بیشتری را نمایان می سازد. اکنون اوست که بر جریان محاکمه چیرگی دارد نه سیستم قضایی عراق.

تا هنگامیکه پیروان صدام کوچکترین امید را به بازگشت او داشته باشند، خواهند جنگید. آنها آنقدر خواهند جنگید تا عراق را به جنگ داخلی بکشانند و نیروهای ائتلاف را وادار به ترک عراق کنند. پرسش اینست که آیا زندگی درنده ترین انسان تاریخ معاصر ارزش اینهمه درد و رنج و خونریزی را دارد؟ بعقیده من، امریکاییان یا باید بدون هیچ دخالتی اجازه دهند عراقیان بسبک خود محاکمه را انجام دهند، یا اینکه صدام را تحویل دادگاه کیفری بین المللی بدهند و بگذارند آنها به وظیفه خود عمل کنند.

(ترجمه سخنان کورش زعیم در میزگرد تلویزیونی 2005/12/1 و مقاله چاپ شده در ایران دیلی)